قلم در آموزه های اسلامی

پدید آورنده : عسکری اسلامپور ، صفحه 29

مقدمه

قلم، از منظر قرآن، سمبل تفکر و آگاهی بشر است و آنقدر مقدس است که خداوند بدان قسم یاد نمود. اولین چیزی که خداوند خلق کرد، «قلم» بود. زبان(بیان) با گذشت زمان کهنه می شود و ماندگار نیست، اما قلم می تواند باعث ماندگاری و بقا گردد.

اصولاً آن چه فرهنگ انسان ها را تا به امروز باقی نگه داشته و موجب تعالی و رشد تمدن ها و فرهنگ ها گردید، عمدتاً «قلم» بوده است. اقتدار و تداوم دین بر دو اصل «قلم و شمشیر» استوار است. زمانی که جنگجویان به شمشیر خویش قسم می خوردند و بدان افتخار می کردند، برای نویسندگان و اهل قلم همین افتخار بس که خداوند به قلم آنان سوگند یاد کرده است. در این نوشتارِ مختصر برآنیم که جایگاه «قلم» را در آموزه های اسلامی مورد بررسی قرار دهیم.

نقش قلم در زندگی انسان

یکی از مسائل مهم و ارزنده ای که هیچ ملتی ـ که به حیات و بقاء و تکامل خویش علاقه مند است ـ نمی تواند از آن غفلت نماید، مسئله نویسندگی است. زیرا نویسندگی هنری است که مادر بسیاری از هنرهای دیگر محسوب می شود. و از این جهت که فن و هنر است، نقش بسزایی در رشد و تعالی افراد و جوامع دارد و زمینه ای برای هنرهای دیگر به شمار می رود. به عنوان نمونه؛ تئاتر، سینما، و بسیاری از هنرهای دیگر احتیاج به نمایشنامه و سناریو دارد که قبلاً باید نوشته شود و این کار به وسیله نویسندگان انجام می گیرد.

یکی از مهم ترین رویدادهای زندگی بشر، پیدایش خط بوده است؛ که نیات و منویات ارزشمند و یا بی ارزش بشر را ثبت نموده و برای آیندگان به یادگار گذاشته است.

قلم، سرچشمه تمدن های بشری و منشأ پیشرفت و تکامل علوم، و بیداری اندیشه ها و افکار و شکل گرفتن مذاهب، و منشأ هدایت و آگاهی بشر بوده است، بدان حد که دوران زندگی بشر با پیدایش قلم (خط) به دوران «تاریخی» و دوران «ما قبل تاریخ» تقسیم می شود. دوران تاریخ زندگی انسان از زمان اختراع خط آغاز می شود؛ زمانی که انسان توانست ماجرای زندگی اش را بر صفحات نقش نماید و سطوری بر صفحه کاغذ و شبیه آن به یادگار گذارَد.

قلم، حافظ علوم و معارف، پاسدار افکار اندیشمندان، حلقه اتصال فکری علما، و پل ارتباطی گذشته و آینده است، و حتی ارتباط آسمان و زمین نیز از طریق لوح و قلم حاصل شده است.

قلم، ابزاری است که انسان های جدا از هم ـ از نظر زمان و مکان ـ را پیوند می دهد؛ به طوری که گویی همه متفکران اعصار گذشته را، که در تمام نقاط زمین به سر می برند، در یک کتابخانه عظیم، جمع می بینیم.

قلم در آینه آیات قرآن

در عظمت و شأن قلم همین بس که در قرآن کریم، سوره ای به آن اختصاص داده شده و خداوند متعال به قلم و آثار قلم و سطرها و کلماتی که از نوک قلم بر صفحه کاغذ نقش می بندد، سوگند می خورد؛ «ن وَ القَلَمِ وَ ما یَسطُرون؛2 ن، و سوگند به قلم و آن چه می نویسند».

آن چه در این جا بدان سوگند یاد شده است، ظاهراً موضوع کوچکی است: یک قطعه نی، و یا هر چیزی شبیه به آن، و کمی ماده سیاه رنگ، و سپس سطرهایی که بر صفحه کاغذ ناچیز رقم زده می شود. امّا آن چه که باعث عظمت قلم و نگاشته های قلم است، سوگندی است که خداوند بدان خورده است؛ زیرا در قرآن کریم خداوند متعال همه جا به مظاهر عالم وجودی که خود خلق فرموده، قسم یاد می کند، مانند: عصر، شب، فجر، خورشید، ماه و...

این ها همه مظاهر آفرینش اند، گردش منظم شب و روز، آفتاب و باران، آسمان و ستارگان، همه و همه، اهمیت دارند و در جهان عظیم خلقت نقشی ایفا می کنند و در زندگی انسان که گل سرسبد آفرینش است، تأثیر مستقیم و غیر مستقیم دارند، قلم نیز یکی از آن مظاهر هستی است.

این آیات شریفه، به روشنی، جایگاه قلم را در میدان تعلیم و تعلم بیان می کند. از جمله نکات در خور توجه در این آیات شریفه این است که:

- عبارت «و ربک الاکرم الذی علم بالقلم» یعنی تربیت، پرورش و تکامل، در سایه صفت ربوبیت پروردگار، نسبت به «قلم» به کار رفته است، و قلم جهت بر طرف کردن جهل بشر، ابزار تعلیم گردیده است.

- «عَلَّم الانسان ما لَم یَعلَم» یعنی همان خدایی که به وسیله «قلم» انسان را تعلیم داد و به او آن چه نمی دانست آموخت، قادر است به بنده ای درس نخوانده، مانند پیامبر(صلی الله علیه و آله) قرائت و تلاوت را بیاموزد.

- از «اَلَّذی عَلَّمَ بِالقَلَم» دو معنا می توان دریافت:

الف) خداوند، نوشتن را به انسان آموخت و توانایی این کار بزرگ را که مبدأ تاریخ بشر، و سرچشمه علوم و فنون و تمدن هاست، در او ایجاد کرد.

ب) مراد این است که علوم و فنون و دانش ها را از این طریق به انسان آموخت.

و در واقع طبق یک تفسیر، منظور «تعلیم کتابت» است، و طبق تفسیر دیگر، مراد، علومی است که از طریق «کتابت» به انسان رسیده است.3

- عظمت سوگند به قلم (در سوره قلم) هنگامی آشکارتر می شود که توجه داشته باشیم آن روزی که این آیه شریفه نازل گشت، نویسنده و ارباب قلم در آن محیط وجود نداشت، بلکه عرب ها خواندن و نوشتن را حقیر می شمردند و آن چه در نظر آن ها مقدس بود، شمشیر و اسب بود و نه نوشته و قلم. چنان که در مقدمه ابن خلدون درباره آن ها آمده است: «این قوم بر حسب طبیعت، وحشی و یغماگر بودند و موجبات وحشیگری چنان در میان آنها استوار بود که همچون خوی و سرشت آنان شده بود و از این خوی لذت می بردند؛ زیرا در پرتو آن از قیود فرمانبری حکام و قوانین سرباز می زدند و نسبت به سیاست و کشورداری، نافرمانی می کردند و پیداست که چنین خوی و سرشتی، با عمران و تمدن منافات دارد... خوی آن ها غارتگری بوده و هر چه را در دست دیگران می یافتند، می ربودند و تاراج می کردند...»4.

افزون بر این ها این آیات شریفه از زبان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که «امّی»، یعنی درس نخوانده بود، تراوش نمود، و آن هم در محیطی که جهل و نادانی آن را فرا گرفته بود و نویسنده ای در آن وجود نداشت، و اگر کسانی مختصر سواد خواندن و نوشتن داشتند، تعداد آنان در سراسر سرزمین «مکه» که مرکز عبادی و سیاسی و اقتصادی «حجاز» بود از بیست نفر تجاوز نمی کرد. نزول این آیات در آن محیط، بیانگر اهمیت ویژه خداوند به «علم و قلم» است.

شاعری از شعرای عرب با استناد به آیات یاد شده می گوید:

اذا أقسم الابطال یوما بسیفهم و عدوّه مما یجلب المجد و الکرم

کفی قلم الکتاب فخرا و رفعةً مدی الدهر ان الله أقسم بالقلم!5

آن روز که جنگجویان قهرمان به شمشیرهای خود سوگند یاد کنند، و آن را اسباب بزرگی و افتخار بشمرند، برای قلم نویسندگان همین افتخار و سربلندی در تمام دوران جهان بس که خداوند سوگند به قلم یاد کرده است، نه به شمشیر.

آری؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آن اجتماع بی قلم و پر شمشیر، جامعه ای را پی ریزی می کند که «قلم» بر «شمشیر» ترجیح دارد و نظام اجتماعی آن بر آزادی بیان و قلم و تراوش فکر و اندیشه استوار است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: سه صدا است که حجاب ها را پاره می کند و به پیشگاه با عظمت خدا می رسد: «صریر الأقلام العلماء و وطی اقدام المجاهدین و صوت مغازل المحصنات؛ 6 صدای گردش قلم های دانشمندان به هنگام نوشتن و صدای قدم های مجاهدان در میدان جهاد و صدای چرخ نخ ریسی زنان پاک دامن».

قلم در آینه روایات

پیشوایان معصوم (علیهم السلام)، این مفسران واقعی کلام وحی نیز درباره قلم سخنانی پربار به یادگار گذاشته اند که علاوه بر آن چه گذشت، برخی دیگر از آن ها را مرور می کنیم.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «انّ اول ما خلق الله القلم، فقال له اکتب فجری بما هو کائن الی الابد؛7 به درستی که نخستین چیزی که خداوند آفرید، قلم بود؛ پس به او فرمان داد بنویس! و او آن چه را بوده و خواهد بود تا روز قیامت نوشت». گرچه قلم در این روایت اشاره به قلم تقدیر و قضا و قدر است، اما هر چه هست، نقش قلم را در سرنوشت بشر و مقدرات او روشن می سازد.8

هلال بن یسار می گوید که: دیدم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای اصحاب خود علم و حکمت بیان می کند. به او گفتم: ای رسول خدا! برای من آن چه را که به یاران خود فرمودی، تکرار کن. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: آیا قلم و دوات همراه داری؟ گفتم: نه؛ فرمود: قلم و دوات را از خود جدا مکن، که خیر و برکت تا روز قیامت در مرکب و قلم و نویسندگان آن است.9

و نیز در روایتی دیگر فرمود: علم و دانش را مهار کنید. گفته شد مهار علم چگونه است؟ رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: نوشتن آن10.

در روایتی از امام حسن (علیه السلام) نقل شده که فرزندان خود و فرزندان برادرش را فراخواند و [به آنان] فرمود: هرچند شما اکنون به عنوان افراد خردسال قوم به شمار می آیید، ولی نزدیک است (و این امید وجود دارد) که در آینده از بزرگان قوم و قبیله خود شوید؛ بنابراین، بر شما لازم است که دانش را فرا گیرید؛ پس هر کس از شما نتواند آن را حفظ کند، باید آن را بنویسد و در خانه خود قرار دهد.11

مفضل بن عمر از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «اکتب و بث علمک فی أخوانک؛12 علم خویش را بنویس و میان برادرانت منتشر کن».

و همچنین از آن حضرت روایت شده که فرمود: «علی کل جزء من اجزائک زکاة واجبة لله عزوجل... و زکاة الید البذل و العطاء بما انعم الله علیک به و تحریکها بکتابة العلوم؛13 برای خداوند بر هر جزیی از اجزای تو زکاتی واجب است... و زکات دست، بخشش و بذل و سخاوت است از آن چه خداوند به تو ارزانی داشته و حرکت دادن دست در نگارش علوم».

بزرگ ترین نمونه ارزشِ ما فوقِ تصوری که اسلام به «قلم» می دهد، آن است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در آن هنگام که همه هدفش بسیج توده ها بود و بیش از همه به «مجاهد» و «مبارز» نیاز داشت، نه به «دانشمند» و «نویسنده»، اعلام فرمود که «مِداد العلماء أفضل من دماء الشهدا»؛ مرکّب قلم دانشمندان از خون شهیدان برتر است.

و نیز فرمود: «اذا کان یوم القیامة وزن مداد العلماء بدماء الشهداء فیرجح مداد العلماء بدماء الشهداء؛ فردای رستاخیز، مرکب «قلم» دانشمندان و خون شهیدان را با هم می سنجند، مرکب و تراوش قلمی دانشمندان و نویسندگان (متعهد و ارزش آفرین) بر خون شهیدان برتری می یابد»14.

امروز تمام تمدن ها و علوم و پیشرفت هایی که در هر زمینه نصیب بشر شده است مرهون تلاش بی دریغ نویسندگان گذشته است و به راستی «مداد علماء» بر «دماء شهدا» پیشی گرفته است؛ زیرا، هم زیربنای خون شهید و هم پشتوانه آن، مرکب قلم های دانشمندان است، و سرنوشت اجتماعات بشری در درجه نخست به قلم ها بستگی دارد.

آن چه از اندیشه ها بر روی سنگ یا پوست یا کاغذ ثبت می شود، همیشه پایدار می ماند، از نسلی به نسل دیگر می رسد و از دوره ای به دوره دیگر انتقال می یابد. سنگ نبشته هایی که بر دل کوه ها یا بر روی گورها و دیوارهای معابد و مساجد نقش بسته است، هزاران سال باقی مانده و همچنان باقی خواهد ماند و با آیندگان سخن خواهد گفت. بشر از قلم و آن چه بدان نوشته می شود، سود جسته است. تورات و انجیل، اگر چه به صورت اصیل برای پیروان ادیان یهود و نصارا باقی نمانده است، اما هر چه هست در سایه قلم و نگارش پایدار مانده است. از همه مهم تر، قرآن کریم، آخرین و کامل ترین کتاب خدا که در پانزده سده پیش بر آخرین و برترین پیامبران وحی شده است، توسط کاتبان وحی بر ابزارهای نوشتنی آن زمان نقش بست و هم اکنون مسلمانان سراسر جهان از آن بهره می برند. نیز سخنان انبیاء عظام الهی و گفتار گهربار معصومین (علیهم السلام) به وسیله قلم نویسندگان و گویندگان به اسلامیان رسیده است.

بعضی از دانشمندان گفته اند: «البیان بیانان: بیان اللسان و بیان البُنان. بیان اللسان تدرسه الأعوام و بیان الأقلام باق علی مرّ الأیام؛»15 بیان دو نوع است: بیان زبان و بیان قلم. بیان زبان با گذشت زمان کهنه می شود و از بین می رود؛ ولی بیان قلم ها تا ابد باقی است.

برای قلم امتیازاتی است که در بیان نیست؛ مهم ترین امتیازات قلم عبارت اند از:

الف) جاودانگی آثار قلم: سخن(بیان)، فرّار است، چنان که حفظ کردن مطالب نیز این گونه است. ولی نوشتن مطالب، موجب استقرار آن در ذهن است. از این روست که در روایات اسلامی به نوشتن تأکید شده است. چنان که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: علم و دانش را مهار کنید، گفته شد مهار علم چگونه است؟ فرمود: نوشتن آن.

نکته شایان ذکر این که اگر در روایات درباره علما آمده: «العلماء باقون ما بقی الدهر»، به نظر نگارنده، مراد، علمای صاحب قلم است؛ آنان هستند که برای همیشه جاودانه می گردند و «اعیانهم مفقوده و امثالهم فی القلوب موجوده». افکار، آثار و کتب آن هاست که در دل ها می ماند. با مراجعه به تاریخ زندگی دانشمندان به ویژه در میان مسلمانان درمی یابیم که دانشمندان بزرگی وجود داشتند که در عرصه های مختلف علمی نسبت دیگران برجسته تر بودند، اما چون اهل قلم نبودند، هیچ آثاری از آن ها باقی نمانده است و با مرگ آنان زحمات چندین ساله و تمام علوم و تجربیات نافع آن ها به خاک سپرده شده است و فراموش شده اند که این خسارت بزرگی برای جوامع بشری است.

ب) امتیاز دوم نوشته، «دقیق بودن» آن است. امام علی (علیه السلام) فرمود: «کتاب الرجل ابلغ من نطقه»؛16 نوشتار انسان از گفتارش رساتر است.

ج) عمیق بودن: مطالب نوشته عمیق است؛ در حالی که سخن و بیان، کم محتوا است. نویسندگان گاهی ساعت ها فکر می کنند تا یک سطر بنویسند؛ ولی، در سخن، چنین دقتی نیست. از این رو، مصاحبه ها هیچ گاه ارزش اعلامیه ها ندارد. در اعلامیه ها دقت و ظرافتی به کار رفته که در سخن و بیان وجود ندارد و بر این اساس از سندیت قوی ای برخوردار است.

بنابراین، «بقاء»، «دقت و ظرافت»، و «عمیق بودن» از مهم ترین امتیازات قلم(نوشته) است.

آیات و روایات یاد شده هر کدام حاوی مطالب و نکات ژرف و مهمی است که نیاز به بررسی بیشتری دارند، اما در نگاهی گذرا به این جملات گرانمایه به این حقیقت پی می بریم که قلم و نگارش مقامی بس بلند و قداستی آسمانی دارند.

البته تمام آن چه گفته شد، درباره قلم هایی است که در مسیر حق و عدالت گردش می کنند و فضائل انسانی را پاس می دارند و با ریاکاری و ظلم و ستم و تمام زشتی ها مبارزه می نمایند، اما قلم های مسموم و گمراه کننده، بزرگ ترین بلا و عظیم ترین خطر برای جوامع انسانی محسوب می شوند؛ زیرا همان گونه که اصلاحات جوامع بشری از قلم های نویسندگان مؤمن و متعقد بر می خیزد، فساد و تباهی نیز از قلم های مسموم و فاسد است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره مسئولیت سنگین صاحبان قلم فرمود: «روز قیامت صاحب قلم و نویسنده را در تابوتی از آتش که با قفل های آتشین بسته شده است می آورند، آن گاه نوشته های او ارزیابی می شود اگر آن را در راه هدایت مردم به سوی خدا و خواسته او به کار گرفته باشد، وی را از جایگاه آتشین آزاد نمایند و اگر قلم را در راه معصیت و فساد و ترویج افکار انحرافی استخدام نموده باشد در آن تابوت آتشین هفتاد سال در عذاب خواهد بود»17.

بزرگ معمار انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی (رحمة الله علیه) نیز درباره اهمیت و مسئولیت اهل قلم فرمود: «آن قدر که بشر از قلم های صحیح نفع برده است، از چیز دیگر نبرده است، و آن قدر که ضرر کشیده است، از چیزهای دیگر نبرده است. قلم ها و بیان ها با مغزهای مردم رابطه دارند18.»

و درباره مسئولیت اهل قلم فرمود: «کسی که قلم به دست می گیرد، بداند که مورد سؤال قرار می گیرد که این که نوشتی چه بود؟ این قلم ها، بسیاری شان با اسم اسلام است و نه برای اسلام. این عهد بزرگی است به دوش شما و مسئولیتی بزرگ است و بدانید که یک روز از باب این مسئولیت سؤال خواهید شد19».

قلم های نویسندگان حقیقت گرا و فضیلت خواه و واقع بین، عامل بقای قدرت سالم در حکومت اند و هرگز حکومت سالم به جنگ اهل قلم نمی رود و در حکومت سالم شمشیر و سرنیزه در مقابل «قلم» قرار نمی گیرد؛ زیرا همین که قلم ها شکسته شد و زبان مردان حق گو و حق شناس در دستان حامیان خنیاگری قرار گرفت، به جای غلبه شرف و فضیلت، باطل و رذیلت رشد می کند، حقْ خرید و فروش می شود، انصاف و مروت در اختیار وقاحت و نامردی قرار می گیرد و دلائل و شواهد فراوان وجود دارد که چنین جوامعی را اگر کوه های زر و طلای بی غش حمایت کنند در قِبال آتشفشان توفنده تاریخ یارای مقاومت نخواهد داشت و چون دودی بر هوا خواهد رفت.

پی نوشت ها:

1ـ علق/ 1-5 .

2ـ قلم/ 1.

3ـ تفسیر نمونه، ج 27، ص 158، با اندکی دخل و تصرف.

4ـ ترجمه مقدمه ابن خلدون، ج 1، ص 285-286.

5ـ روح البیان، ج 10، ص 102.

6ـ الشهاب فی الحکم و الآداب، به نقل از تفسیر نمونه، ج 24، ص 377.

7ـ بحارالانوار، ج 57 ، ص 374.

8ـ تفسیر نمونه، ج 24، ص 375.

9ـ شرح آداب المتعلمین، خواجه نصیر، ص 112.

10ـ میزان الحکمه، ج 8 ، ص 324؛ منیة المرید، ص 163.

11ـ میزان الحکمه، ج 8 ، ص 324:

12ـ میزان الحکمة، ص 321.

13ـ بحارالانوار، ج 96، ص 7.

14ـ همان، ج 2، ص 16.

15ـ مجمع البیان، ج 10، ص 332.

16ـ بر ساحل سخن، سید ابوالقاسم حسینی، ص 269 به نقل از غرر و درر.

17ـ کنز العمال، ج 6 ، ص 86 .

18ـ 6/10/1359.

19ـ 10/3/1360.